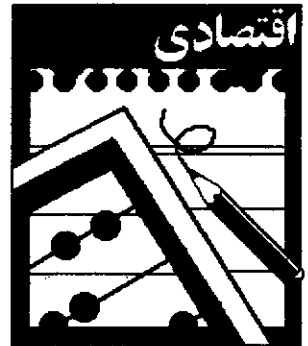


# ... و بعد از ثانیه صفر سال ۱۳۷۴



از ثانیه یک سال ۱۳۷۴ هجری شمسی، یعنی بلافاصله پس از خاتمه سال ۱۳۷۳ در ساعت ۵ و ۴۴ دقیقه و ۳۵ ثانیه روز سه شنبه اول فروردین ۱۳۷۴، اجرای دومین برنامه توسعه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران آغاز خواهد شد.

از همین لحظه افزایش قیمت‌هایی که برای نخستین سال اجرای این برنامه در بودجه سال ۱۳۷۴ پیش‌بینی شده است، رسمیت قانونی خواهد یافت و به عنوان مثال، صاحب هر اتومبیلی که در همین لحظه برای بنزین‌گیری در یک پمپ بنزین توقف کند، ناگزیر است در ازای دریافت هر لیتر بنزین به جای پنجاه ریال، یکصد ریال بپردازد.

غیر از بنزین و سایر فرآورده‌های نفتی و اشکال دیگر انرژی، بسیاری از کالاها و خدمات از همین لحظه با افزایش قیمت مواجه خواهد بود، و این افزایش‌ها، البته سواى تصویب پرداختی‌های جدیدی است که در بودجه سال ۱۳۷۴ مورد پیش‌بینی و تصویب قرار گرفته است.

بدین قرار، اقتصاد ایران وارد مرحله جدیدی از افزایش قیمت‌ها خواهد شد که هیچ‌کس نمی‌تواند منکر اثرات تورمی آن باشد.

از میان آثار تورمی کالاها و خدماتی که افزایش قیمت آنها در سال ۱۳۷۴ مورد تصویب قرار گرفته است، کافی است فقط به افزایش قیمت انواع انرژی‌ها و توالی اثر آن بر تولید (کشاورزی-صنعت)، خدمات و حتی جزئی‌ترین امور زندگی احاد افراد اجتماع اشاره کنیم. اثرگذارى افزایش قیمت انرژی در گزارش

مشروحی که در شماره ۴۴ این ماهنامه (مهر ۷۳)، چاپ شد، از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی قرار گرفت و می‌تواند مورد مراجعه کسانی باشد که خواهان اطلاعات کاملتری در این باره هستند.

نکته قابل توجه این است که در بودجه نخستین سال اجرای برنامه دوم توسعه ما با چهار نوع افزایش قیمت سروکار خواهیم داشت:

۱- افزایش قیمت‌های مستقیم، مرئی و ملموس (نظیر افزایش قیمت گازوئیل، نفت و بنزین)

۲- افزایش‌های نیمه مرئی و توجه شده (مثل تغییر ضرایب قیمت خدمات دولتی از قبیل برق، گاز، تلفن، پست و... برای نمونه، نرخ مکالمات تلفنی شهری را مثال می‌آوریم که در صورت تصویب نهایی از آغاز سال ۷۴ برای هر پالس ۱۲ ریال حق مکالمه و ۵ ریال عوارض ثابت خواهد شد).

۳- افزایش‌های مستقیم و مرئی جدید که گرچه با امور روزمره زندگی مردم سروکار ندارد، اما برای اولین بار در سید هزینه‌های اجتماعی گنجانده شده است (نظیر هزینه تعویض نام شناسنامه‌ای، صدور ال‌مثنای شناسنامه، تعیین سن، و نیز دریافت ماهی ۵۰۰ ریال از سوی صدا و سیماى جمهوری اسلامی از دارنده هر کنتور برق و...)

۴- افزایش‌های غیر مرئی و غیر قابل پیش‌بینی که می‌تواند از تعابیر و تفاسیری که دستگاه‌های اجرایی در طول سال در مورد تبصره‌های بودجه خواهند کرد، ناشی شود. این گونه تعابیر و تفاسیر فاقد سابقه و پیشینه نیست طی سالهای اخیر بارها شاهد بوده‌ایم که دستگاه‌های اجرایی با استناد به تبصره‌هایی از قانون بودجه که مربوط به آنها بوده است، و ارائه نوعی استنباط، نرخ کالاها و خدمات خود را افزایش داده‌اند، و در مواردی حتی کار به اعتراض نمایندگان مجلس نیز کشیده شده است.

بر موارد پیش گفته، این نکته را هم باید افزود که در لایحه بودجه، افزایش هزینه‌های جاری و عمرانی دولت در سال ۱۳۷۴ نسبت به پیش‌بینی عملکرد سال ۱۳۷۳ به ترتیب دارای رشدی معادل ۳۱ درصد و ۳۰ درصد پیش‌بینی شده است. برخلاف روند حاکم بر تمام لوایح و قوانین بودجه کل کشور طی سالهای ۶۸-۱۳۷۳ لایحه بودجه ۱۳۷۴ رشد هزینه‌های جاری (غیر عمرانی) کشور را از نرخ رشد هزینه‌های عمرانی بیشتر در نظر گرفته است.

## تورم دورقمی یا سه رقمی؟

بودجه سال ۱۳۷۴ چنین افزایش‌هایی را تصویب و تجویز کرده است...

این افزایشها خود موجد افزایش‌های دیگری است که از سوی دست‌اندرکاران فعالیتهای اقتصادی در بخش خصوصی (از جمله صاحبان صنایع و تولیدکنندگان) در رده‌های مختلف اعمال خواهد شد.

با فرض این که از ثانیه صفر سال ۱۳۷۴ به بعد فضای فعالیت‌های اقتصادی کشور یک باره تطهیر خواهد شد و روحیه ثروت‌اندوزی، گرانتفروشی، احتکار، معاملات ناسالم، سوء استفاده از هرج و مرج بازار، حاکمیت روابط به جای ضوابط، اعمال سیاستهای اقتصادی سلیقه‌ای و دیگر مفاسدی که بر امور اقتصادی کشور حاکمیت دارد از بین خواهد رفت، و امور اقتصادی کشور تابع قانونمندی‌های حقوقی و اقتصادی خواهد شد، باز هم جامعه ما سال ۱۳۷۴ را با یک تورم دورقمی آغاز خواهد کرد.

این واقعیت‌گریز ناپذیر از ماهیت برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و نیز بودجه سال ۱۳۷۴ ناشی شده است. افزایش قیمت‌های پیش‌بینی شده برای سال ۱۳۷۴ خود به تنهایی کافی است یک تورم دورقمی را به اقتصاد کشور تحمیل کند، و اگر برای مهار مفاسد اجتماعی اقدامی عاجل و کارساز انجام نشود، نباید از بروز تورمی سه رقمی در ایران حیرت‌زده شد.

در نظر داشته باشیم سال ۱۳۷۴ را در شرایطی آغاز می‌کنیم که پس از مدتها تردید و دو دلی سرانجام افزایش شدید در قیمت انرژی را به مرحله اجرا گذاشتیم و تن به پذیرش شوکهای حاصل از این افزایش دادیم. در شرایط یک اقتصاد کنترل‌شده و متعادل نیز افزایش پنجاه و یا صددرصدی انرژی که در اقتصاد همه کشورهای جهان کنونی از عوامل پایه‌ای و تعیین‌کننده قیمت‌ها در همه سطوح است، شوکها و پیامدهای زیر و رو کننده دارد. و ما در هنگامه‌ای وارد شدن چنین شوکی را بر اقتصاد کشور خویش تجویز کردیم که فقط در شش ماهه دوم سال ۱۳۷۳ دو تورم جهشی و سرسام آور را پشت سر گذاشتیم.

اعلام این هشدار که اقتصاد ایران برای گذر از یک بحران شدید و غیرقابل اجتناب در سال ۱۳۷۴ باید از یک کنترل شدید برخوردار باشد زمانی قابل درک

خواهد بود که روند شرایط اقتصادی کشور در سال ۱۳۷۳ را مورد ارزیابی قرار دهیم.

در سال ۱۳۷۳ ما با پدیده‌های چون افزایش صددرصد قیمت بنزین، و افزایش ۳۰، ۴۰، ۵۰، ۶۰ و ۷۰ درصدی بسیاری از کالاها و خدمات دولتی مواجه نبودیم.

در سال ۱۳۷۳ بودجه ما یک بودجه شناور بود و مجلس مخارج دولت را تاهی از درآمدهای خزانه کرده بود. (رجوع شود به گزارش بودجه ۷۳ و ۱۱ ماه باقیمانده مندرج در شماره ۳۹ این ماهنامه) با این وجود ما علاوه بر روند آزار دهنده تورمی که سالهای اخیر

گریبان اقتصادمان را گرفته، دو تورم جهشی را نیز شاهد بودیم: یکی در همراه و دیگری در بهمن‌ماه.

### و باز هم افزایش نقدینگی

بسیاری از دولتمردان اقتصادی سال ۷۳ را سال ایجاد تعادل در اقتصاد معرفی کرده بودند. آنان با اشاره به مخالفت مجلس با افزایش قیمت فرآورده‌های نفتی و کاستن رقمی معادل ده هزار میلیارد ریال از درآمدهایی که دولت در بودجه سال ۷۳ تحقق آنها را پیش‌بینی کرده بود، و سرانجام با تکیه بر تأکید بودجه بر صرفه‌جویی و کاستن از هزینه‌های زائد، با قاطعیت اعلام می‌کردند اقتصاد ایران در سال ۷۳ به سوی تعادل هدایت خواهد شد. اما این پیش‌بینی‌ها تحقق نیافت... برای درک این ناکامی کافی است به مصاحبه‌های حجت‌الاسلام دری نجف‌آبادی رئیس کمیسیون برنامه و بودجه در دو مقطع زمانی مختلف در سال ۷۳ توجه کنیم. ایشان در روز ۳۱ مرداد سال ۷۳ طی مصاحبه‌ای اعلام کرده بود: «حجم نقدینگی بخشی خصوصی با حدود ۲۰٪ رشد نسبت به سال گذشته به ۵۵ هزار میلیارد در پایان امسال [سال ۷۳] می‌رسد.

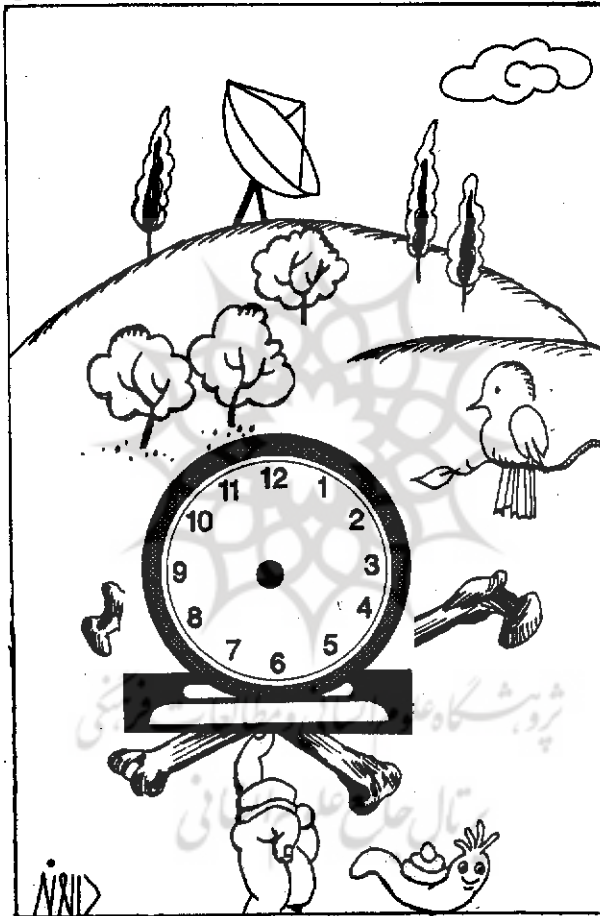
هم ایشان در مصاحبه‌ای که با خبرنگار پارلمانی خبرگزاری جمهوری اسلامی انجام داد و روز ۱۳ بهمن ۷۳ در مطبوعات منعکس شد گفته است: «رشد نقدینگی در سال جاری ۱۵ درصد پیش‌بینی شده بود ولی در عمل رشد نقدینگی به بیش از ۳۲ درصد رسیده است و این برای اقتصاد کشور یک خطر به شمار می‌رود.

البته روز بعد خبری به این مضمون در مطبوعات منتشر شد «رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی در تماس با خبرنگاری جمهوری اسلامی رشد نقدینگی در سال ۷۲ را حدود ۳۴ درصد اعلام کرد و گفت که امید است در سال ۷۳ با تمهیداتی

که مجلس به کار برده، رشد نقدینگی در حدود ۱۶ درصد محفوظ ماند.

در هر حال لازم به ذکر است که حجت‌الاسلام دری نجف‌آبادی در مصاحبه قبلی حجم نقدینگی در سال ۷۳ را ۵۴ هزار میلیارد ریال ذکر کرده بود که در توضیح بعدی این رقم مورد تکذیب قرار نگرفت، و جالب‌تر این که در همین ایام رئیس کل بانک مرکزی حجم نقدینگی کشور را ۵۶ هزار میلیارد ریال اعلام کرده بود!

سوی این موارد چند روز قبل از این تاریخ مصاحبه‌ای از وزیر امور اقتصادی و دارایی در



مطبوعات چاپ شد که مهم‌ترین فراز آن این عبارت بود:

«میزان تورم اقتصادی فعلی کشور ۳۲ درصد است که تا پایان سال جاری این رقم به ۳۵ درصد خواهد رسید.»

وزیر دارایی رقم تورم کشور را در پایان سال ۷۳ معادل ۳۵ درصد ذکر کرده است، حال آنکه آمار بانک مرکزی حکایت داشت فقط در یک هفته از هفته‌های همراه ۷۳ قیمت‌ها ۳۵ درصد جهش داشته است. این جهش قیمت‌ها همان جهشی بود که موجب شد دولت بار دیگر به قانون تعزیرات متوسل شود و ستاد تعزیرات

حکومتی را با تشکیلات جدید و اختیارات بیشتر فعال کند، بی‌آنکه قیمت‌های افزایش یافته کاهش یابد.

رقم تورم ۳۵ درصدی عنوان شده از جانب وزیر اقتصاد و دارایی هنگامی با تردیدی جدی مواجه می‌شود که در نظر بگیریم در بهمن ماه قیمت طلا و ارز جهشی حیرت‌انگیز پیدا کرد و بهای سکه بهار آزادی از حدود ۲۷۰ هزار ریال به پانصد هزار ریال و هر دلار آمریکا در بازار آزاد از حدود ۲۷۰۰ ریال به ۳۸۰۰ ریال رسیده بود.

فرازی از گزارش بودجه ۷۳ و ۱۱ ماه باقیمانده مندرج در شماره ۳۹ (اردیبهشت ۷۳) این ماهنامه امکان مقایسه‌ای را فراهم می‌کند تا بتوان به حدود تقریبی تورم در سال ۱۳۷۳ رسید:

«... به واقع بهار با گرانی آغاز شد، بهاری که در یستمین روزش نرخ برابری دلار با ریال معادل یک دلار در دو هزار و چهارصد و شصت شد و بهای سکه طلا به ۲۵۲۰۰ ریال رسید...»

به طوری که ملاحظه می‌شود در این جمله با شگفتی از رسیدن قیمت دلار در بازار آزاد به ۲۴۶۰ ریال و سکه بهار آزادی به ۲۵۴۰۰ ریال یاد شده است. بنابراین وقتی در دهه سوم بهمن قیمت هر دلار حواله‌ای به ۳۸۰۰ ریال و هر سکه بهار آزادی به ۴۵۰ هزار ریال رسیده بود، می‌توان پذیرفت میزان تورم در ایران در سال ۷۳ حدود ۳۵ درصد بوده است؟

یکی از اقتصاددانانی که گزارش این ماهنامه را در مورد بودجه سال ۷۳ از یاد نبرده بود در تماسی با ماهنامه پیشنهاد کرد اگر در زمینه اوضاع اقتصادی سال ۷۳ از ضرب‌المثل «سالی که نکوست از بهارش پیداست» استفاده کردیم، در مورد اوضاع اقتصادی سال ۷۴ ضرب‌المثلی با این مضمون را مورد استفاده قرار دهیم: «سالی که نکوست از بهمن‌ماه سال قبش پیداست!»

این اقتصاددان معتقد بود که اگر برای کنترل اوضاع اقتصادی کشور در سال ۷۴ از هم اکنون اقدامات سنجیده و کارسازی اجرا نشود کشور ما در این سال شاهد تورمی «تازنده» خواهد بود و ای بسا به مرحله‌ای از تورم برسیم که به تورم لجام‌گسیخته موسوم است.

### گردش پولی در سیستم بانکی

پس از جهش قیمت طلا و ارزها؛ و پس از آنکه وانمود شد این جهش صددرصد ناشی از فعالیت دلالتی و صاحبان سرمایه‌های سرگردان است، و لذا بانک مرکزی اقدام به پیش‌فروش سکه طلا خواهد کرد، مهندس باهنر مخر کمیسیون امور اقتصادی و دارایی در

مصاحبه‌ای با روزنامه رسالت گفت:

«عرضه سکه از سوی بانک مرکزی هیچ مشکلی را حل نمی‌کند و باعث تعدیل قیمت‌ها نخواهد شد، بلکه این کار دلالتی را رواج می‌دهد... با این که سیستم بانکی تا حال چندین دفعه در مقاطع مختلف این مسئله را تجربه کرده که برای تعدیل قیمت‌ها به ویژه در موارد تعیین کننده مانند ارز و سکه، با تزریق بی‌رویه و با نرخهای ترجیحی در جامعه مشکل حل نمی‌شود، و متأسفانه به رغم این که تجربیات گذشته در این زمینه به شکست انجامیده، اما اخیراً بانک مرکزی اعلام کرده برای تعدیل قیمت سکه در بازار آن را به صورت مستقیم عرضه می‌کند،

در گفته‌های آقای باهنر نکته‌ای وجود دارد که در متن آن مصاحبه چندان جلب نظر نمی‌کند، اما در واقع همین نکته است که می‌باید زیر ذره‌بین قرار گیرد: دوی در ادامه مصاحبه به تغییرات اخیر نرخ ارز در بازار اشاره کرد و گفت:

یک علت عمده این حرکت [مربوط به تزریق بعضی از نقدینگی هائی می‌باشد که در جامعه ایجاد شده است]، این نقدینگی را چه کسی به بازار پولی کشور تزریق کرده است؟

## سالی که نکوست از بهمن ماه سال قبلش پیداست

جز این است که تزریق این نقدینگی و رسیدن قیمت دلار حواله‌ای به مرز ۳۸۰۰ ریال باز هم به معنای کاهش دلهره آور ارزش پول ملی است؟ بنابراین آیا حق نبود به صراحت اعلام شود این «بعضی نقدینگی‌ها» را چه کسانی یا چه مؤسسه‌ای به اقتصاد کشور تزریق کرده‌اند؟

اگر این تزریق پول در خارج از محدوده سازمانهای رسمی انجام شده باشد، باید آن را یک «خطر» تلقی کرد، ولی اگر باز هم تزریق کننده این ریالهای جدید سیستم بانکی، و در رأس آن بانک مرکزی باشد، باید گفت تمهیدات مجلس شورای اسلامی برای کنترل هزینه‌های دولت در سال ۷۳ کاملاً بی‌اثر بوده است.

نیز اگر این تزریق پول از سوی بانک مرکزی انجام شده باشد باید پرسید آیا با تأیید مجلس بوده است، یا خارج از مجموعه تصمیمات قانونی و مدون مربوط به سیاستهای اقتصادی کشور در سال ۷۳ حجم عظیمی از نقدینگی که همه مقامات مسئول بالاتفاق آن را آفت اقتصاد کشور می‌دانند، به بازار عمومی تزریق شده است. اگر اثرات این لجام گسیختگی هنوز به درستی برای عده‌ای از تصمیم‌گیرندگان اقتصادی روشن نشده است به آنها توصیه می‌شود در پاراگراف‌های زیر دقیق شوند:

یکی از نویسندگان «ماهنامه» در یادداشتی خطاب به سردبیر نوشته است:

«امروز (۷۲/۱۱/۱۷) برای پرداخت یک بدهی مالیاتی به یکی از مادر شعبه‌های بانک ملی واقع در بیج شمیران (روبه‌روی کوچه‌ای که دفتر مجله در آن واقع است) رفته بودم. این مادر شعبه در واقع از دو شعبه با اهمیت بانک ملی تشکیل شده است که نام یکی از آن شکوه است، و نام دیگری را از یاد برده‌ام. وقتی جلوی باجه پرداخت رسیدم و فیش مالیاتی را به مسئول آن دادم، بی‌اختیار گفتم: اگر این مالیاتها و قبوض آب و برق و گاز و تلفن نباشد، باید کارمان را تعطیل کنیم. حیرت‌زده پرسیدم چرا؟ گفتم: این شعبه با عظمت را می‌بینی؟... از صبح تا حالا من هرچه دریافت کرده‌ام وجه قبوض آب و برق و تلفن و گاز بوده. یک نفر یک میلیون تومان بابت مالیات پرداخته، و شما هم که ۶۷ هزار تومان می‌پردازید... این کل گردش کار امروز ما در این شعبه گل و گشاد بوده است.»

همین نویسنده چند روز بعد یادداشتی دیگر به سردبیری تسلیم کرد که در آن آمده است:

«امروز هنگامی که عازم مجله بودم، همسایه‌ام

مهم بانک ملی فقط وجوه مالیاتی و قبوض آب و برق و تلفن و گاز را دریافت می‌کند. کسی وجهی بابت پس‌انداز نپرداخته... و این غیرطبیعی نیست، زیرا قیمت سکه در بازار حول و حوش ۵۰۰ هزار ریال است و بانک مرکزی اعلام کرده هر سکه را سیصد هزار ریال پیش فروش می‌کند، لذا اگر کسی پول نقد دارد در صف نوبت می‌ایستد تا سکه بخرد. کسی هم که پس‌اندازی دارد آن را از بانک بیرون می‌کشد تا سکه بخرد.

آیا می‌توان این روند را یک ترفند برای جمع آوری نقدینگی‌های سرگردان تلقی کرد؟

اگر چنین است، پس چرا مخبر کمیسیون اقتصادی و دارائی مجلس می‌گوید: یک علت عمده این حرکت مربوط به تزریق بعضی از نقدینگی هائی می‌باشد که در جامعه ایجاد شده است.»

در چنین شرایط سرگیجه آوری قیمت کالاها چنان سرسام آور افزایش می‌یابد که مقاطعه کاری را وامی دارد حتی با قبول پرداخت ضرر و زیان قرارداد خود را فسخ کند و احیاناً (چرا احیاناً؟) او هم وارد بازار معاملات غیرمولد و توهم‌زا شود.

در انتهای سال ۱۳۷۳، و در شرایطی که هنوز افزایش قیمت‌های پیش‌بینی شده در بودجه سال ۱۳۷۴ آغاز نشده شرایط اقتصادی کشور چنین است که شمه‌ای از آن را نتوانید. در دقایق، ساعات، روزها و ماههای بعد از ثانیه صفر سال ۱۳۷۴ وضع چه خواهد شد؟ آیا در سال آینده ما باز هم شاهد استمرار سیاستهای سرگیجه آور اقتصادی خواهیم بود؟

آیا در سال ۱۳۷۴ نیز روند چاپ بی‌حساب و کتاب اسکناس، فروش ارز در بازار آزاد، و اجرای راه‌حلهایی نظیر گران کردن زیرکانه طلا و ارز، و سپس پیش‌فروش آن ادامه خواهد یافت؟

آیا در سال ۱۳۷۴ سازمانهای دولتی و شرکتهای وابسته به دولت همچنان به افزایش نرخ کالاها و خدمات خود خارج از مصوبات مجلس ادامه خواهند داد؟ و نهایتاً، آیا سیاستهای اقتصادی سال ۱۳۷۴ را باید ادامه سیاستهای سال‌های ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ دانست، یا می‌توان امیدوار بود تجارب تلخی که از اجسرای این سیاستها به دست آمده تصمیم‌گیرندگان و مجریان در زمینه امور اقتصادی را به خود خواهد آورد و عزم ایشان را برای پایان بخشیدن به سیاستهای آزموده شده اقتصادی سالهای اخیر جزم خواهد کرد؟

### نگاهی به گذشته

با صنعتی شدن اروپا و در آمدن مسائل اقتصادی به صورت یک رشته علمی ایران نیز نمی‌توانست از قانونمندی‌هایی که این رشته علمی جدید بر جوامع حاکم کرده بود مصون بماند.

اقتصادی